

ای فرع رفیع سدره مبار که ... از غفلت و استکبار اشرار و...

حضرت عبدالبهاء

Original English



۱۹۵

ای فرع رفیع سدره مبار که ... از غفلت و استکبار اشرار و عظمت و تعنت فجّار مغموم و محزون مشوید و دلگیر و دلخون نگردید چه که این دأب دیرین و آداب قدیم غافلین است یا حسرة علی العباد ما یأتیهم من رسول الا کانوا به یستزؤن.

بلکه معارضه و مقاومت جاهلان سبب اعلاء کلمه الله و نشر آثار الله است اگر تعرض مستکبرین و تهتک مرجفین نبود و فریاد برمنابر و بیداد اکابر و اصاغر و تکفیر جهلاء و عربده بلها نبود کی صیت ظهور نقطه اولی روحی له الفداء و آوازه سطوع شمس بهاء روحی له الفداء بشرق و غرب میرسد و جهانرا از کران تا بکران بجنبش و حرکت می آورد و کی خطه ایران را مرکز نور تابان میفرمود و اقلیم روم مرکز جمال قیوم میگشت چگونه آوازه ظهور بجنوب منتشر میشد و بچه وسیله ندای حق باقصی بلاد شمال میرسید کشور امریک و افریک تاریک چگونه ندای الهی می شنید و صیاح دیک عرشی استماع مینمود طوطیان هند چگونه شکر خا می شدند و نعمات بلبلان عراق کجا بافاق میرسید شرق و غرب چگونه مهتر میشد بقعه مبار که چگونه اریکه جمال محمود میشد طور سیناء چگونه لمعه نورآء میدید شعله ظهور چگونه زینت طور میگشت ارض مقدس چگونه موطن جمال منزّه میشد وادی طوی چگونه بقعه بهراء میگشت و محلّ خلع نعلین موسی میشد نفحات قدس چگونه در وادی مقدس منتشر میشد شمیم نسیم حدائق ابری مشام اهل جزیره خضرا را چگونه معطر می نمود وعده های انبیا و بشارات اصفیا و نویدهای مظاهر احدیه باین بقعه مبار که چگونه تحقق مینمود.



ORIGINAL



AUDIO

شجره اینسا چگونه غرس میشد و علم میثاق چگونه بلند میگشت و جام عهد الست چگونه سرمست می نمود این فیوضات و برکات اسباب ظهور و بروزش بحسب ظاهر استکبار جهلاء و تعرض بلهآء و تعنت ثقلآء و تشدد ظلمآء بود و الا صیت ظهور حضرت اعلیٰ هنوز باقرب بقاع نرسیده بود پس نباید از جهل جهلاء و تعدی زئمآء و غفلت فقها و تکفیر بلها محزون شد ذلک دأبهم فی القرون الأولى اگر میدانستند نمی نمودند ولی نادانند فإلهو لآء لا یکادون یفقهون حدیثا.

پس شما که فرع سدره مقدسه الهیه هستید و افنان دوحه رحمانیه باید بعون و عنایت جمال قدم روحی لمرقده المقدسه فداء چنان بنار موقده ربانیه بر افروزید و برافروزیم که نار محبت الله در قطب آفاق روشن کنیم و تأسی بدوحه مقدسه حضرت اعلیٰ روحی له الفداء بنمائیم سینه را هدف تیر بلا کنیم و دل را آماج سهم قضا چون شمع بر افروزیم و چون پروانه بال و پر بسوزیم چون مرغ چمن بنالیم و چون عندلیب زار بزاریم.

چون ابر بگرئیم و چون برق از آوارگی در غرب و شرق بخندیم و شب و روز در فکر نشر نفعات الله باشیم نه تتبع در شبهات و ترویج و تأویل و تشریح متشابهات فکر خویشرا بگذاریم و از کم و بیش چشم پوشیم نه اظهار تألم نمائیم نه بهتان تظلم بکلی خود را فراموش نمائیم و از خمر عنایت و فناء در جمال ایهی پر جوش و خروش شویم.

ای افنان سدره مبارکه باید کلّ بکوشیم تا شاخ بارور گردیم و میوه خوشگوارتر ببار آوریم تا فرع تابع اصل گردد و جزء تأسی بکلّ نماید از فضل اسم اعظم و عنایت نقطه اولیٰ روحی لهما الفداء امیدوارم که سبب اعلاء کلمه الله در جمیع آفاق گردیم و خدمت باصل امر نمائیم و شرع غیرت حقیقی الهی را منتشر کنیم و نسیم چمن عنایت را بوزیدن آریم و شمیم حدیقه رحمانیت را بمشامها رسانیم و آفاقرا جنت ایهی کنیم و کیهان را فردوس اعلیٰ.

هر چند کلّ عباد و علیٰ الخصوص مشتعلان بنار رشاد مکلف باین عبودیت ربّ عباد هستند ولی تکلیف ما اعظم از دیگران است از او توفیق میطلبیم و تأیید میجوئیم.

صد هزار شکر جمال مبارک را که جنود ملکوت ابهائش در هجوم است و عون و صونش متتابع چون طلوع نجوم در جمیع نقاط ارض این عبد فرید و حید را نصرت فرمود و در جمیع اوقات آثار عنایت ظاهر فرمود اهل شبهاترا در اشدّ اغما افکند و متمسکین بمتشابهات را رسوای خاص و عام فرمود نوهوسانرا محلّ ملام انام فرمود و خود پرستانرا شهره آفاق کرد احبابی متزلزلین را عبرة للناظرین فرمود و ارکان مذذبین را خود پرست و خود بین فرمود و این مرغ بال و پر شکسته را بمقابل جمیع من علیٰ الارض بقدرت تأییدش قائم فرمود صفوف عناد را شکست داد و لشکر نجات را نصرت بخشید و روح حیات در قلوب ثابتین بر عهد و میثاق دمید.

حضرات افنان سدره مقدّسه مبارکه را یک یک تکبیر ابداع ابھی ابلاغ فرمائید و البہاء علیک و علی کلّ افنان
یثبت علی الميثاق *